

عنوان مقاله:

ماهیت زبان در اندیشه سوسور و فارابی

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه و کلام، دوره 51، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

مهدی خبازی کناری - دانشگاه مازندران

ندا راه بار - مازندران

خلاصه مقاله:

سوسور با نقد جریان های تاریخی - تطبیقی پیرامون زبان، نقطه عزیمت تفکر خود را بررسی مختصات و عناصر درون زبانی قرار می دهد. از نظر وی، وجه تحقق یافته و پویای زبان نمی تواند ماهیت حقیقی آن را نشان دهد. بنابراین باید به وجه ایستای زبان و یا، بنیادهای همزمانی زبان توجه عمیق داشت. سوسور تحت تاثیر معرفت شناسی کانت حدود قلمرو زبان را از طریق لانگ، لانگ و پارول از هم متمایز می کند و ابژه انضمامی و یا به نحوی ساحات تقرر زبان را به لانگ محدود می کند. فارابی در سنت فلسفه اسلامی در نسبتی بسیار نزدیک با سوسور، به تاملات زبان شناسانه پرداخته است. وی مطالعات زبان شناختی خود را با برداشتی تازه از روابط میان زبان و منطق آغاز می کند و با ریشه یابی واژه نطق از منطق، خاستگاه منطق را به سمت زبان سوق می دهد. در تلقی فارابی، نطق وجه بنیادین و عام زبان است. وی سه ساحت زبان را به نفس ناطقه، نطق درونی و نطق بیرونی تلخیص می کند که نطق درونی محل تقرر عناصر زبانی تعیین شده است. صرف نظر از این مساله؛ در نشانه شناسی، روابط میان دال و مدلول نیز در نسبتی متناظر با لفظ و معقول، به شکل قراردادی مطرح شده است. مقاله حاضر با بررسی ساحات سه گانه زبان در اندیشه سوسور می خواهد نشان دهد این تلقی ساختارگرایانه تلقی تازه ای نیست. قرن ها پیش در سنت فلسفه اسلامی نیز، فارابی به چنین تاملاتی پرداخته است. تلقی فارابی با تقسیم بندی نشانه های زبان به دو بخش الفاظ و معقولات و تقسیم سه گانه ساحات زبان، تلقی تازه ای در زبان شناسی است که به نوعی آغاز سیر مطالعاتی تازه در حیطه زبان شناسی اسلامی است.

کلمات کلیدی:

سوسور، فارابی، ماهیت زبان، لانگ، نطق درونی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1354736>

